



باور کنید عین واقعیت است، در فوتبال مامیزی به صورت بیضی وجود دارد که صندلی‌های اطراف این میز که تعدادش هم زیاد نیست در اشغال گروهی از مربیان قرار گرفته است، این آقایون هرگز دستخوش تغییرات نمی‌شوند. همیشه پشت این میز صاحب یک صندلی هستند، از اینرو فوتبال در بست در مشت همین چند مربی قرار دارد. جالب این است که همین آقایان مدعی هستند که فوتبال ناپاک است، اما هرگز به درآمد خود در فوتبال اشاره‌ای ندارند. جالب تر اینکه خروجی آنها در فوتبال عدد صفر را نشان می‌دهد، اما در یافتی شان قابل شمارش نیست، به همین خاطر برخی از همین آقایان در طول یک فصل سه تیم را به خود دیده‌اند. حتی در این جایابی فرزند یا قوم و خویش خود را به همراه دارند که باز منبع درآمد حساب می‌شود، باز بگویید فوتبال مانا پاک است. آقایان لطفاً سری به آن میز بیضی شکل بزنید تا مشخص شود که در این فوتبال چه مسائلی در حال رقم خوردن است. خروجی صفر! درآمد میلیاردری!

حل یک معما



خب، این جناب الکساندر نوری مربی ایرانی مقیم آلمان تیم و در برمن بوندس لیگا آلمان چند روزی در هفته گذشته میهمان اهالی فوتبال آلمان بود. حتی این جناب در این فرصت، دیدار تیم ملی فوتبال ایران با بکستان را به تماشا نشست و حضورش در ورزشگاه آزادی تجدید خاطر شد، اما کسی نپرسید که این آقا به چه منظور به تهران آمد و سپس به آلمان بازگشت. هر کس نکته‌ای را در ذهن می‌گذراند، اما در لابه‌لای شنیده‌ها این خبر به گوش رسید. ایشان روی دو باز یکن ایرانی نظر مثبت پیدا کرده‌اند، رامین رضائیان و مهدی طارمی. البته بد نیست بدانید که اخیراً مهدی طارمی به یک پیشنهاد نزدیک به ۳ میلیارد تومانی یکی از باشگاه‌های قطر پاسخ منفی داد و گفت، لیگ ستارگان قطر محلی برای رشد و دیده شدن نیست. از اینرو فوتبال قطر را نمی‌پسندم، بی‌شک پاسخ نه به پیشنهاد نزدیک به ۳ میلیارد تومان و آمد و رفتن‌های اخیر برخی از مربیان اروپایی مهدی طارمی را بر آن داشته تا برای راهیابی به فوتبال اروپا بیشتر فکر کند و تمرکزش را بر هم نریزد. حیث نیست باور کنید که توانایی بازیکنان فوتبال کشورمان فراتر از حضور در لیگ کشورهای عربی است.

در فوتبال لیگ‌های عربی فقط پول خوب فراوان وجود دارد، فوتبال عربی محل و جایگاه فوتبال‌بست‌های پایه سن گذاشته و یاد در حال خداحافظی و یا کنار کشیده شده از فوتبال حرفه‌ای است. فوتبال عربی هیچ‌مهلای از رشد همراه ندارد. جهت نمونه به تیمی که سروش رفیعی در قطر برای خود انتخاب کرده است اندکی توجه کنید.

۱- الخور قطر تیم یازدهم لیگ قطر است، گویا در فوتبال قطر بین ۱۲ تا ۱۴ تیم حضور دارند.

۲- الخور قطر هنوز پایش به فوتبال لیگ قهرمانان آسیا باز نشده است.

۳- الخور قطر تماشاگری در فوتبال قطر ندارد. اگر هم وجود داشته باشد بسیار اندک و قابل شمارش بر روی سکوها هستند.

این آمار و ارقام باعث شده تا سروش رفیعی برای پیوند خوردنش به تیم الخور قطر دچار تردید شود. هر چند سرانجام نتوانست از دو میلیترتد تومان بگذرد و به قطر رفت.



بازگشت استیلی



حساب حمید استیلی با دیگران جداست. از آن دست بازیکنان و مربیان دوست داشتنی می‌باشد. اخلاق، روش، منش و کردارش نمونه می‌باشد.

استیلی هیچگاه و در هیچ شرایطی کسی را از بالا به پایین نگاه نکرد. نگاهی خیرانه دارد چون در را بصورت کامل با پوست و استخوان خود لمس کرده است. اکنون این مرد سرد و گرم چشیده فوتبال کشورمان پس از یک دوره استراحت طولانی مجدداً خیال بازگشت به فوتبال را

دارد. باشگاه نفت و تیم نفت که تفکر جدیدی در آن حاکم شده است، خواهان حمید استیلی جهت در دست گرفتن سکان مربیگری تیمش است. چه کسی بهتر از استیلی. هم شخصیت مربیگری دارد، هم دانش به روز مربیگری را همراه دارد، هم مردی آشنا به زیر و بم کامل فوتبال است. کارنامه ورزشی و اخلاقی او یک نمونه و شاخص و متمایز با دیگران است، مربیگری در تیم نفت برای استیلی گرچه پای او را مجدداً به فوتبال باز می‌کند، اما چندان هم بزرگ نیست. چون در فوتبال برای خودش جیب ندوخته است. او برای فوتبال از خودش هزینه کرده است، اما برداشت آنچنانی ندیده است.

سیاست برانکو



بی‌جهت لقب پرفسور را به خود نگرفته است، یک مربی آگاه و باهوش به حساب می‌آید. اصولاً اهل جنجال و هیاهو نیست. با تمرکز بر روی کارهایش به دنبال رفع و رجوع مسائل خود و تیمش است. لحظه‌ای که متوجه شد سروش رفیعی در حال پرواز به سمت و سوی تیم الخور قطر است، بلافاصله سیامک نعمتی را از پیکان گرفت تا جای خالی سروش پر شود. با شایان مصلح از سپیدرود به این خاطر به توافق رسید تا به جایایی‌ها در خط دفاع پایان دهد و سازمان

دفاعی تیم پرسپولیس هم به آرامش برسد و هم چهره‌های قابل قبول پیدا کند. دست دیگر زمزمه‌های کامیابی را هم شنید تا به بازگشت نوراللهی روی خوش نشان دهد. دست آخر دو هوایی شدن بیرانوند را احساس کرد تا باب مذاکره را با رشید مظاهری از ذوب‌آهن باز کند. حال لقب پرفسور به درستی براننده برانکو هست یا نیست، نه سرو صدایی دارد و نه اهل ایجاد همهمه است. سر به زیر در راه به قدرت رساندن پرسپولیس است.

لیاقت و توانایی

این امیرخان قلعه‌نوعی ذاتاً یک مدیر و یک مربی آگاه و توانمند و به روز است. هیچگاه بدون تیم نمانده است. تقریباً به همه جاسر کشیده است. هر جا که رفته فوتبال آن شهرستان و فوتبال نماینده آن شهر و استان احیا شده و به قدرت رسیده است.

چون آدم کوچکی نیست، قد کوه‌تایی دارد، اما دانش فنی‌اش گسترده به دراز و پهنای قاره است. مسائل فوتبال را خوب درک می‌کند، درست مانند دوران جوانی‌اش که در مرکز زمین هر تیم شرایط بازی را خوب درک می‌کرد. اکنون که چند سالیست در کسوت مربیگری گام برمی‌دارد همچنان نمونه دیده می‌شود. خوب می‌بیند، خوب می‌چیند، خوب تمرین می‌دهد، به روز تمرین می‌دهد و در تغییرات و تعویض‌ها در حد و اندازه تأثیر گذار عمل می‌کند. از اینرو او هیچ وقت بدون تیم نمی‌ماند و نمانده است. اکنون و پس از یکی دو هفته بعد از جدایی از تراکتورسازی به تیم ذوب‌آهن رفت تا اکنون بر اساس توانایی‌اش فوتبال ذوب‌آهن را متحول سازد. بی‌شک به این مربی به روز و با لیاقت و توانایی‌اش تیم می‌دهند. چیزی که اکنون ذوب‌آهنی‌ها به آن رسیده‌اند.